

فارسی چهارم درس اول: آفریدگار زیبایی

دبستان دخترانه علوی

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

آفریدگار زیبایی

درس اوّل

روزی بهار، تابستان، پاییز و زمستان با هم گفت‌وگو می‌کردند. صحبت از این بود که هر یک بهتر نقاشی کرد، بماند و بقیه از نقاشی دست بردارند و بروند. آنها تصمیم گرفتند خورشید جهان افروز را به داوری انتخاب کنند.

خورشید پذیرفت که بین آنان داوری کند. چهار هنرمند، شروع به کار کردند. اوّل، بهار قلم به دست گرفت؛ نخست دستی به شاخه‌های درختان هلو، بادام، سیب و درختان دیگر برد و بر آنها گردنبندهایی از گل‌های صورتی آویخت؛ در جنگل با رنگ نیلی، گودال‌های کوچک و بزرگ، درست کرد و در اطراف این گودال‌ها گل‌های نرگس و



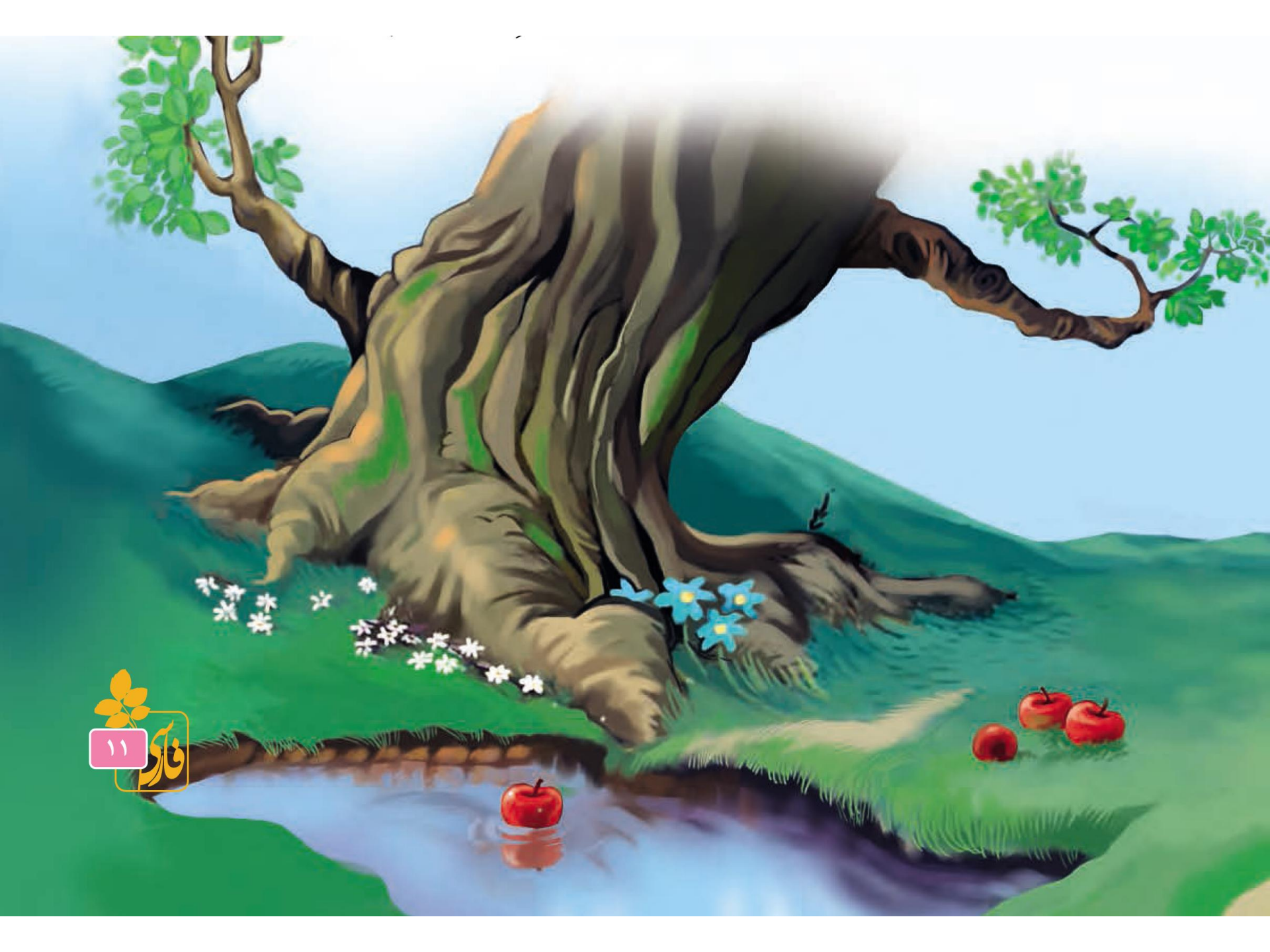
بنفشه را پراکند؛ حشرات گوناگون، زنبورهای عسل و پروانه‌ها را روی گل‌ها و پرندگان را در دشت‌ها و جنگل‌ها در حال پرواز نشان داد؛ بلبل را روی شاخه، خرگوش را میان جنگل و غوک را در برکه نشانید.

اینجا بود که بهار با خود گفت: «بگذار خورشید به این تصویرهای زیبا نگاه کند و بگوید، منظره‌ای زیباتر از این، می‌توان ساخت؟»

خورشید از پس ابر خاکستری رنگ، نگاهی انداخت و از دیدن منظره‌ی طبیعت بهار، لذت برد.

دومین نقاش، یعنی تابستان گرم، دست به کار شد. تابستان با رنگ سبز تیره، سراسر جنگل را رنگ آمیزی کرد؛ کنار جنگل را با بوته‌های انبوه تمشک زینت داد؛ بر شاخه‌های درختان میوه، آن قدر سیب گلگون و گلابی

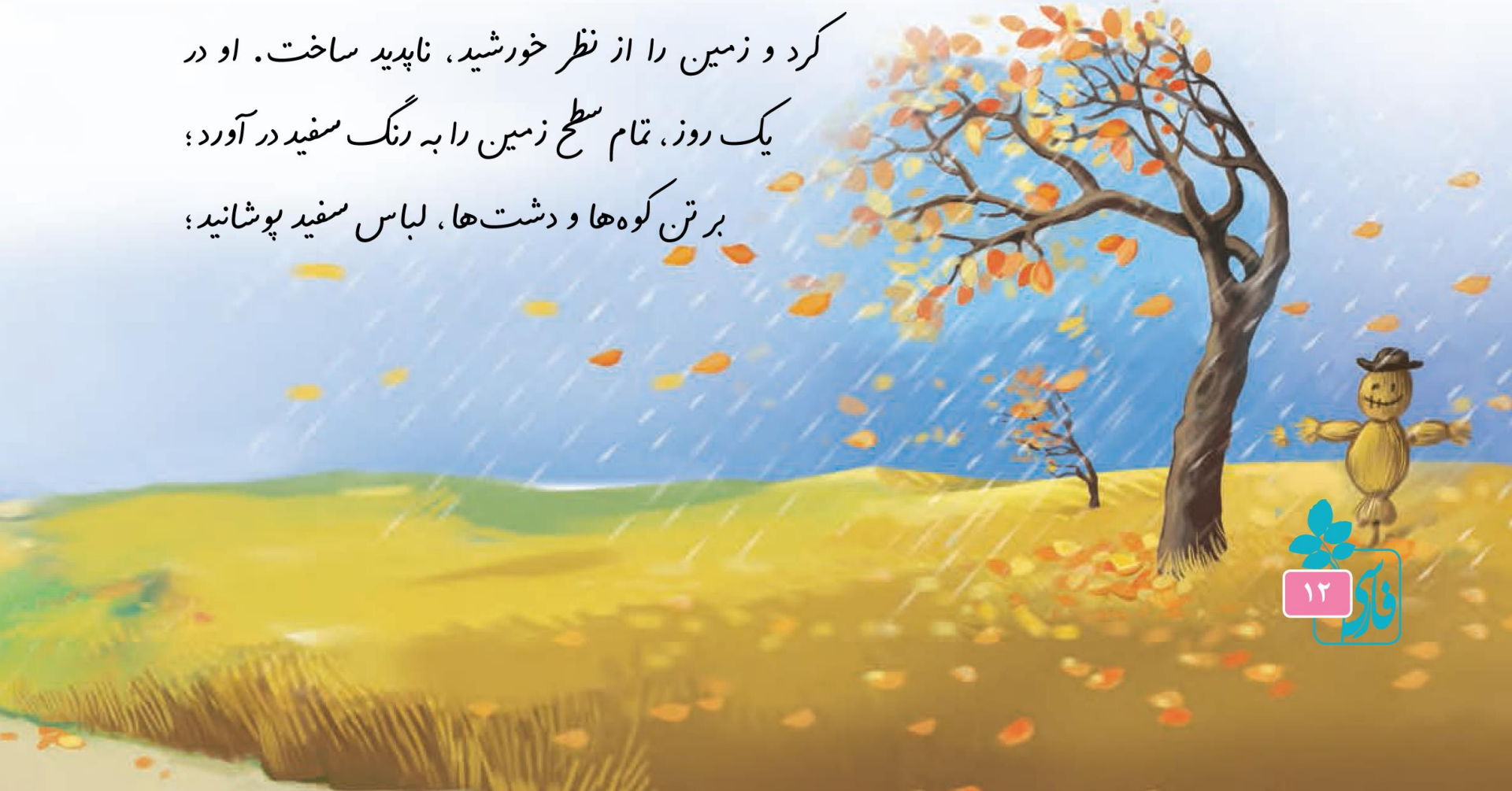




و میوه‌های دیگر آویخت که شاخه‌ها تاب نیاوردند و به سوی زمین، خم شدند؛ دشت را با خوشه‌های طلایی‌گندم پوشانید؛ مزارع را به رنگ زرد درآورد؛ رودخانه‌ها و دریاچه‌ها را آبی کرد. نقاشی تابستان هم بسیار زیبا از کار درآمد.

خورشید جهان افروز از پشت ابرهای سفید، نقاشی تابستان را تماشا کرد؛ بسیار زیبا بود. نوبت نقاش سوم بود؛ پاییز برای کار خود، رنگ‌های آتشین انتخاب کرد و اول به سراغ جنگل رفت؛ بعضی از درختان را با رنگ زرد لیمویی پوشانید، برخی را به رنگ ارغوانی و بعضی دیگر را به رنگ قرمز روشن درآورد؛ به رنگ کاج‌ها و سروها و صنوبرها دست نزد؛ با خود گفت: «بگذار اینها همان طور که هستند، باقی بمانند»؛ با ابرهای خاکستری رنگ، آسمان را پوشانید و نشان داد که قطره‌های باران، برگ‌های درختان را جلا داده است؛ روی سیم‌های برق، دسته دسته، پرستوهای مهاجر نشانید.

خورشید به تصویرهای نقاشی پاییز نگاه کرد؛ اما هر چه کرد، نتوانست چشم از آن بردارد.
آن گاه زمستان، قلم به دست گرفت. او با خود گفت: «تا وقتی کارم را تمام نکرده‌ام،
خورشید نباید نقاشی مرا ببیند»؛ این بود که اوّل، ابرهای خاکستری رنگی در آسمان پهن
کرد و زمین را از نظر خورشید، ناپدید ساخت. او در
یک روز، تمام سطح زمین را به رنگ سفید در آورد؛
بر تن کوه‌ها و دشت‌ها، لباس سفید پوشانید؛



سطح رودخانه‌ها را با قشر نازکی از یخ، براق کرد؛ روی صنوبرها و کاج‌ها پوشش سنگینی از برف پوشانید؛ روی برف‌ها نقش و نگارها و جای پاهای گوناگون، نقاشی کرد؛ جای پای خرگوش، کبک و آن دورها جای پای گرگ.

زمستان نیز نقش و نگارهای خود را بسیار زیبا و دل‌انگیز به پایان رساند. خورشید ابرها را کنار زد و گاهی به تصویرهای نقاشی زمستان انداخت. در زیر نگاه پُر مهر او دشت‌ها و جنگل‌ها و درّه‌ها زیباتر خودنمایی می‌کردند.

هر یک از نقاشی‌ها بسیار زیبا بودند. داوری میان آنها دشوار بود.

پس خورشید گفت: «ای نقاشان چیره‌دست! آنچه شما نقاشی کرده‌اید، بسیار زیباست. به نوبت، نقاشی کنید و اثر شگفت‌انگیز خود را به وجود آورید؛ بگذارید مردم نقاشی‌های شما را ببینند و از تماشای آنها لذت ببرند.»

از نظر انسان خردمند، برگ های درختان به هنگام بهار،
«سعدی» می گوید: مانند کتابی هستند که بزرگی خداوند را به ما می شناسانند.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

درست و نادرست



۱ بهار، دشت را از خوشه های طلایی گندم پوشاند.

۲ زمستان، جای پای گرگ ها را نقاشی کرد.

۳ داور این مسابقه، خورشید بود.

سعدی شاعر قرن هفتم
است. دو اثر معروف او
بوستان و گلستان هستند.



«سعدی» می‌گوید:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتری است معرفت‌کردگار

درست و نادرست

❌ ۱ بهار، دشت را از خوشه‌های طلایی‌گندم پوشاند.

✅ ۲ زمستان، جای پای گرگ‌ها را نقاشی کرد.

✅ ۳ داور این مسابقه، خورشید بود.

درک مطلب



۱ پاییز برای رنگ‌آمیزی درختان از چه رنگ‌هایی استفاده کرد؟

۲ نقاشی‌های تابستان و زمستان چه تفاوت‌هایی با هم داشتند؟

۳ چرا پاییز به رنگ کاج‌ها و سروها دست نزد؟

۴ نقاشی بهار و پاییز چه شباهتی با هم داشت؟

۵ شما کدام یک از نقاشی‌ها را انتخاب می‌کنید؟ دو دلیل بیاورید.

۶ چرا عنوان «آفریدگار زیبایی» برای این درس انتخاب شده است؟ شما چه عنوانی را برای

این درس پیشنهاد می‌کنید؟

۷



درک مطلب

۲- در نقاشی تابستان، درختان و مزارع پر از شاخه و برگ و میوه و گندم و جو بودند و آفتاب گرم و سوزان در حال تابیدن بود ولی در نقاشی زمستان همه‌ی برگ‌های درختان ریخته و زمین‌های کشاورزی نیز خالی بود و خورشید گرمایی نداشت.

۱ پاییز برای رنگ‌آمیزی درختان از چه رنگ‌هایی استفاده کرد؟

رنگ‌های آتشین؛ مانند: **زرد لیمویی**، **ارغوانی** و **قرمز روشن**.

۲ نقاشی‌های تابستان و زمستان چه تفاوت‌هایی با هم داشتند؟

۳ چرا پاییز به رنگ کاج‌ها و سروها دست نزد؟

چون کاج و سرو از درختانی هستند که همیشه سبز می‌مانند و شاخه و برگ آنها زرد نمی‌شود.

۴ نقاشی بهار و پاییز چه شباهتی با هم داشت؟ در دو فصل پاییز و بهار باران و ابرهای خاکستری در

آسمان وجود دارند و بارش باران باعث می‌شود که درختان و شاخه و برگ آنها شسته‌شود.

۵ شما کدام یک از نقاشی‌ها را انتخاب می‌کنید؟ دو دلیل بیاورید.

۶ چرا عنوان «**آفریدگار زیبایی**» برای این درس انتخاب شده است؟ شما چه عنوانی را برای

این درس پیشنهاد می‌کنید؟ زیرا تنها خداوند است که می‌تواند تمام این زیبایی‌ها را خلق کند. عنوان دیگر این

درس می‌تواند «**زیبایی‌های آفرینش**» باشد.

.....

واژگان جدید

جهان افروز : روشن کننده ی جهان
داوری : قضاوت کردن
پذیرفت : قبول کرد، به عهده گرفت.
آویخت : آویزان کرد، آویزان شد
نیلی : رنگ آبی تیره، کبود رنگ
غوک : قورباغه
برکه : گودی کوچک و کم عمقی از زمین
که در آن، آب جمع شده باشد، آبگیر

واژگان جدید

تیره : تاریک، سیاه

انبوه : بسیار، زیاد، فراوان

زینت داد : آراست، تزئین کرد.

گلگون : سرخ رنگ، به رنگ گل سرخ

تاب نیاوردند : تحمل نکردند، طاقت نیاوردند.

ارغوانی : رنگ قرمز مایل به بنفش

جلا دادن : شفاف و پاکیزه کردن، صاف و برّاق کردن

واژگان جدید

پهن : گسترده، مسطح، پهن‌اور

قشر : لایه، پوسته

دل‌انگیز : زیبا، جالب

پرمهر : دوست داشتنی، گرم و دلنشین

داوری : قضاوت کردن

دشوار : سخت

چیره دست : ماهر، زیر دست، استاد

شگفت‌انگیز : تعجب‌آور، عجیب و غریب